Archive of SID

نشریـه علمـی حسابداری مدیریت
دوره ۱۵ / شماره ۴ (پیاپی ۵۵) / زمستان ۱۴۰۱
صفحه ۱۴۹ تا ۱۶۹

ارزیابی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی در بازار سرمایه ایران

الهام آب شیرینی[۱]
ولی خدادادی*[۲]
سعید نصیری[۳]
نادر خدری[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۶

چکیده

شرکت های تجاری به منزله ضرورت انکارناپذیر حفاظت از منابع ذینفعان نیازمندِ ساختار حاکمیت متمّدنانه شرکتی می باشد؛ به گونه ای که در گذر زمان بتواند پاسخگویِ نیازها و انتظارات اطلاعاتی ذینفعان باشند. تمدنِ حاکمیتی به عنوانِ یک کلید واژه ساختاری در نظامِ راهبری شرکتی محسوب می‌شود که به واسطه سامان بخشیدن به مکانیزم‌های اثرگذارِ نظارت‌های هیئت مدیره، می‌تواند به ایجادِ حفاظت از منافع سهامداران منجر شود و انگیزه‌های سرمایه گذاران را به دلیل وجودِ اطمینان به ساختارهای شرکت‌های بازار سرمایه ایجاد نماید. هدف این پژوهش ارزیابی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی در بازار سرمایه ایران می باشد. این پژوهش که از نظر روش شناسی ترکیبی بود، در بخش کیفی نسبت به شناساییِ ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی اقدام نمود تا براساس تحلیل دلفی، پایایی ویژگی های شناسایی شده را تأیید نماید. سپس پژوهش در بخش کمی باهدفِ ارزیابی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی در بازار سرمایه ایران از تحلیل رتبه بندی تفسیری استفاده نمود. نتایج پژوهش در بخش کیفی از وجود ۶ ویژگیِ ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی حکایت داشت که مورد تأیید قرار گرفت. نتایج در بخش کمی نیز نشان داد، درصدِ تاثیرگذاری ویژگیِ ادهوکراسی نسبت به بقیه ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه بیشتر است، که به معنای وجود ارتباطات متعامل در نظام راهبری شرکتی و درک متقابل انتظارات و نیازهای درون و بیرون شرکت مبنی بر حفظ حقوق ذینفعان می‌باشد.

واژگان کلیدی: ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی؛ ادهوکراسی؛ رتبه بندی تفسیری

[1] دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران e.abshirini@gmail.com
[2] دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول*) vkh201349@gmail.com
[3] استادیار گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران saeed-nasiri@iauahvaz.ac.ir
[4] استادیار گروه حسابداری، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران khedri42@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

امروزه مفاهیم نوینی در عرصهٔ مدیریت در حال شکل‌گیری است و این مفاهیم، پویایی در حوزهٔ مدیریت و نحوه‌ی اداره‌ی سازمان‌ها و شرکت‌ها را نشان می‌دهد. مفهوم تمدن[1] در واژگان مدیریت، به عنوان یکی از همین مفاهیم نوین محسوب می‌شود که می‌تواند در تعالی عملکردی سازمان‌ها و شرکت‌ها، بخصوص شرکت‌هایی با ماهیت نمایندگی بسیار موثر باشد. در مورد لفظِ «تمدّن» باید این نکته را در نظر داشت که تمدن، مفهومی بدیع و جدید است که نیازمند توسعه نظری و ادراکی در حوزه‌های مختلفی از سازمان‌ها و شرکت‌ها دارد (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸). تمدن بسیار مشابه مفاهیمی همانند تعالی سازمانی[2]، فرهنگ سازمانی[3] و سازمان یادگیرنده[4] است؛ در حالیکه از لحاظ مفهومی تفاوت‌های بنیادینی با این عبارت‌ها دارد که سبب شده است، موضوع تمدن سازمانی، از دیدگاه اندیشمندان سازمانی به موضوع متمایزی تبدیل شود. واژهٔ تمدن، تلاش می‌کند مفهوم تعالی را گسترش دهد و زمینهٔ انجامِ عملکردهای متعهدانه در برابر سایر شهروندان بیرون سازمانی همچون سهامداران در شرکت‌های دارای ماهیت نمایندگی و یا مشتریان در شرکت‌های خصوصی را تاحدِ عالی امکان‌پذیر نماید (زرین‌نگار و همکاران، ۱۳۹۷). توسعه‌ی تمدن باتوجه به تغییر فضای سازمان، سطح ارزش‌گرایی‌های اخلاقی را براساس فرهنگِ غالب سازمان ارتقاء می‌بخشد و جوّی مبتنی بر تکریم و اخلاق را ایجاد می‌نماید. اما شکل‌گیری مفهوم تمدن در ساختارهایی با ماهیت دولتی؛ خصوصی و نمایندگی می‌تواند متفاوت باشد، چراکه اهداف و مأموریت‌های تعریف شده برای هر یک از ساختارهای اشاره شده، متفاوت می‌باشد. تمدن حاکمیتِ شرکتی، مفهومی همسو مفاهیم تمدن سازمانی است، چراکه پیگیری منافع ذینفعان مهمترین اولویتِ اخلاق در هریک از ساختارهای سازمانی است. سیمونز و همکاران[5] (۲۰۲۰) تمدنِ حاکمیتی را مجموعه‌ای از دانش‌ها؛ نمادها؛ آداب و سننِ یک شرکت تعریف می‌نمایند و متکی بر ارزش‌هایِ نهادینه شده‌ای از محیطِ اجتماعی است که در پَرتوِ ابداعات و کارکردهای مدیریتی، اُلگوهایی از فرهنگِ تعامل‌پذیری را در درون و بیرون شرکت پدیده می‌آورد تا از این طریق سطحِ رفاه اجتماعی به واسطه ارتقای پیامدهایی همچون اعتماد و اطمینان، توسعه یابد. از طرف دیگر، فراتیکیو و همکاران[6] (۲۰۱۵) ساختارِ حاکمیتی متمدنِ را فضایی مبتنی بر فرهنگ سازمانی ساختاریافته تعریف می‌نماید که این فرهنگ، مشوق نظم؛ اخلاق؛ احترام و رعایت حقوق افراد در تمام سطوح سازمان می‌باشد تا سطح رضایت در ذینفعان بیرون افزایش یابد و حقوق آن‌ها رعایت گردد. به عبارت دیگر، تمدنِ حاکمیتی، اخلاق‌گرایی و ارزش‌های فرهنگ پاسخگویی را در ارتباطات درون و بیرون شرکتی تقویت می‌نمایند و این موضوع سبب می‌شود تا انجامِ وظایف متعهدانه و مبتنی بر مسئولیت‌پذیری فردی در برابر منافع افراد بیرون شرکت، صورت پذیرد که ثمره‌ی آن رعایت حقوق مدنی یک شرکت در برابر ذینفعان به عنوان یک رفتار کاهنده‌ی هزینه‌های نمایندگی است (حورعلی، ۱۳۸۳). لذا باتوجه به تعاریف ارائه شده، شرکت‌های دارایِ ساختار نمایندگی به واسطه توسعه‌ی سطح تمدنِ حاکمیتی قادر هستند تا کارکردهای اثربخشی از حفاظت از منافع سهامداران را دنبال نمایند. زیرا یکی از چالش‌های مهم و موضوعات مطرح در باب نگرانی‌های سرمایه‌گذاران، تضییع حقوق آنان توسط صاحب‌منصبان قدرت در ساختارهای شرکت‌های دارای ماهیت نمایندگی است. شرکت‌هایی که از الگویی تمدن حاکمیتی پیرو می‌کنند، رویکردهای حاکم بر عملکردهایشان، اخلاق‌گرایانه است و به دنبالِ

[1] *Civilization*
[2] *Organizational Excellence*
[3] *Organizational Culture*
[4] *Learning Organization*
[5] *Simons et al*
[6] *Frăticiu et al*

www.SID.ir

Archive of SID

پاسخگویی به منافع اکثریت ذینفعان همچون سهامداران خود می‌باشند. تجربه نهادهای مالی بین‌المللی، کشورها و بازارهای مالی مختلف نیز در سطح جهان به ویژه مراکز توسعه‌یافته نشان می‌دهد که حمایت‌های قانونی و حقوقی جهت حفاظت منافع سهامداران، از ضرورت‌های اولیه یک بازار سرمایه به شمار می‌رود. زیرا براساس یافته‌های پژوهش‌های مختلفی همچون هوآنگ و همکاران[1] (۲۰۲۰)؛ سو و آلِکزیو[2] (۲۰۱۹)؛ شی و همکاران[3] (۲۰۱۵) و یو و تینگ[4] (۲۰۱۲) اکثر سهامداران علم و دانش تخصصی لازم در خصوص حقوق خود ندارند و فقدان یک ساختارِ حاکمیتی منسجم و وجودِ نظارت‌های نهادی باعث می‌شود تا سوء استفاده از منافع آنان افزایش یابد و این موضوع شکاف هزینه‌های نمایندگی را تقویت نماید. به عبارت دیگر، در شرایطی که ساختار حاکمیتی از انسجام لازم برخوردار نباشد، ناکارآمدی تصمیم‌ها؛ عدم‌تقارن اطلاعاتی؛ سوء استفاده و فرصت‌طلبی مدیریتی بیش از پیش افزایش می‌یابد و در چُنین فضایی نمی‌توان انتظار داشت حقوق و منافع سهامداران به ویژه سهامداران خُرد به خوبی و به طور کامل و منصفانه رعایت گردد. لذا این پژوهش در راستای ضعف ساختارهای نظارتیِ شرکت‌های بازار سرمایه، با شناسایی ابعادِ تمدنِ شرکتی به دنبالِ ارزیابی ویژگی‌های آن در بافتِ ساختارهای شرکت‌های بازار سرمایه در ایران می‌باشد، تا از این طریق سطح اثربخشی نظارت‌های حاکمیتِ شرکتی همسو با انتظارات و تغییرات اجتماعی باعثِ کاهش تعارضات نمایندگی بین شرکت با سهامداران گردد.

مبانی نظری

تمدن در طول تاریخ و در متون مرتبط با آن، گاه مترادف با فرهنگ بکار رفته است، گاه عامل ایجادِ فرهنگ و گاه معلولِ ارزش‌های اجتماعی بوده است و براین اساس می‌توان تمدن را فصل مشترک قابل ملاحظه‌ای بین جامعه و فرهنگ تلقی نمود (کمالی، ۱۳۹۴). در یک ساختار متمدانه، جوّ سازمان و فرهنگ سازمانی مشوق نظم؛ ادب؛ اخلاق و رعایت حقوق ذینفعان در تمام سطوح درون و بیرون است. در سازمان متمدن، تربیت و ادب بین افراد در روابط عرفی و سازمانی حاکم است. وظایف بسته به میزان توانایی‌های بالقوه، براساس انگیزه‌های خود رهبری انجام می‌شود. رعایت حقوق مدنی یک رفتار عمومی بوده و حضور پررنگ عدالت اجتماعی[5] با رعایت نزاکت وکمال نجابت امکان‌پذیر است (رمزی‌فرد، ۱۳۹۰). یکی از ابعاد مهم، تمدن سازمانی، در ساختارهای با ماهیت نمایندگی، تمدنِ حاکمیتی است. در تعریفی مقدماتی از تمدن حاکمیتی بیان شده است که نظام راهبری به واسطه توسعه سطح فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، به دنبال یک انسجام عملکردی در ایجاد عدالت و برابری رفتاری می‌باشد که امکانِ ارتباط و تعاملِ مسالمت‌آمیزِ درون و بیرون شرکت را تقویت می‌نماید. حفظ و صیانت مدنیت در این حوزه به عنوان یک اصل باعث می‌شود تا هیئت‌مدیره و مدیران منتصب، به ایجادِ تناسبِ بین سرمایه انسانی با سرمایه‌های اجتماعی توجه نمایند و از این مکانیزم برای توسعه اثربخش رفتارِ مدنی در توسعه استراتژی‌های خود نهایت بهره را ببرد (مورگان[6]، ۲۰۱۰). در ارائهٔ تصویر و تعریفِ تمدنِ حاکمیتی در چارچوب تمدن سازمانی ذکر این نکته مهم است که وجودِ ارزش‌های اخلاقی را می‌توان زیربنا و روبنای یک ساختمانِ عظیم بنامِ کاخ تمدن[7] در نظر گرفت که توسعه‌دهنده‌ی مجموعه‌ای از نمادها در ایجادِ یک فرهنگ غالب جهت پیگیری حقوق و مدنیت سازمانی و اجتماعی است. در واقع این فرهنگِ غالب برحسب اینکه یک تمدن حاکمیتی به فونداسیون و پایه‌های قوی‌ایی از ارزش‌های اخلاق‌گرایانه نیاز دارد، مبنایی برای

[1] *Huang et al*
[2] *Su & Alexiou*
[3] *Shi et al*
[4] *Yu & Ting*
[5] *Social justice*
[6] *Morgan*
[7] *Palace of Civilization*

www.SID.ir

Archive of SID

شکل‌دهی به رفتارهای مدیران و کارکنان در تمامیِ سطوح ساختاری شرکت جهتِ حفاظت از حقوق ذینفعان به خصوص سهامداران خُرد می‌شود (بینگاتو[1]، ۲۰۱۵). در فرهنگ غالب ایجاد شده، هم افراد در درون و هم ذینفعان در بیرونِ یک ساختار، شهروند نامیده می‌شوند که براساس محورهای اخلاق و رفتارگرایی ارزش‌محور به دنبال ایجاد سطحی از تعامل سازنده برای توسعه پایداری و ایجادِ چارچوب‌های منسجمی از یکپارگی ارزش‌های برابر می‌باشند (وَن‌کریکِن[2]، ۲۰۰۳). پیامدِ چُنین ساختاری، اعمالِ مدیریت فراگیر و در چارچوب مشترک فرهنگ سازمانیِ توفیق‌مدار و جمع‌مدار، جهتِ برقراریِ تعادل و تعامل منافع شهروندان در سازمان و جامعه می‌باشد.

تمدن حاکمیت شرکتی دربرگیرندهٔ فرهنگی غالب است که زمینهٔ لازم برای توسعه‌ی پایدارِ منظم و هدفمند را جهتِ بهبود خدمت‌رسانی و کسب منافع برد-برد[3] بین شهروندان درونی به عنوان منابع انسانی با شهروندان بیرونی به عنوان سهامداران و سرمایه‌گذاران مهیا می‌کنند. این موضوع مؤید مدنیت شرکت، در رعایت حقوق ذینفعان است و باعثِ افزایش اثربخشی مکانیزم‌های راهبری شرکتی می‌شود. بسیاری از معضلاتی همچون، عدم تقارن اطلاعاتی؛ منفعت‌طلبی رفتاری مدیران و غیره می‌تواند از نمودهایِ دوری از تمدن در ساختارهای حاکمیتی شرکت‌ها باشد. به عبارت دیگر، رفتارهای خارج از مدنیت در شرکت‌ها، به دلیل رعایت نکردن حقوق فردی و جمعی در روابط درون ساختاری فی مابین شرکت با منابع انسانی و برون شرکتی با سهامداران و سرمایه‌گذاران، می‌تواند زمینه‌ساز ترویج رفتارهای منفی و مخرب در شرکت‌ها باشد و سبب گردد تا عمقِ شکافِ هزینه‌های نمایندگی بیشتر و بیشتر گردد (ناکاماکی و همکاران[4]، ۲۰۱۸). طراحی و تدوین الگوهای مؤثر برای بهبود مدنیت و رفتارهای توأم با تمدن جهت حفاظت از منافع سهامداران، این امکان را در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهد که برای بهبود شاخص‌های بهره‌وری در جذب نقدینگی به واسطه‌ی تقویت اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران، موفقیت‌های چشمگیری را به دست آورند. جوّ و ارزش‌های منبعث از چُنین ساختارهای یکپارچه‌ای از منظر ترویجِ ارزش‌های اخلاقی، شرکت را به یک شرکت پایبند به اصول اخلاقی بدل می‌نماید و زمینه‌ی کاهش تعارضات بین شرکت با سهامداران و سرمایه‌گذاران را محقق می‌کند (گرین و همکاران[5]، ۲۰۱۳). بنابراین با بی‌توجهی به مفهوم تمدن حاکمیتی نمی‌توان به توسعهٔ پایدار به ویژه در حوزه‌های اخلاق؛ معنویت و مدنیت نگاه سیستمی داشت و در این وضعیت جوّ شرکت، دچار فرسایشِ ارزش‌گرایی اخلاقی می‌گردد و روابط اجتماعی نامناسب نسبت به حفاظت از منافع سهامداران به دلیل ترویج کج اخلاقی‌هایی همچون مدیریت سود؛ اجتناب مالیاتی؛ عدم انعکاس اخبار به موقع و ... سبب افزایشِ بی‌اعتمادی به شرکت‌ها می‌شود (زرین‌نگار و همکاران، ۱۳۹۷). بی‌شک رفتارهای منفی با سِرشت و هدف‌غایی شرکت‌های دارای ساختار نمایندگی همخوانی ندارد و می‌تواند به تداومِ نگرش‌های منفیِ سرمایه‌گذاران، به شرکت‌های بازار سرمایه منجر شود. تمدنِ حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از فرآیندهای نظارتِ اثربخش در چارچوب توسعه تعاملِ پویا با سهامداران و سرمایه‌گذاران، در تلاش است، در گام اول با تقویتِ انگیزه‌های درون ساختاری، سطح مسئولیت‌پذیری رفتاری و خود رهبری در برابر وظایف مورد تصدی را ارتقاء بخشد و در گام بعدی با افزایش سطح شفافیت‌ها و کارکردهای اثربخش در جهت بازخورد تصمیم‌های شرکت به ذینفعان علی‌الخصوص سهامداران خود، ضمن بیان حمایت از منافع آنان، به ایجاد یک فرهنگ شفاف در بازار رقابتی

[1] *Bingtao*
[2] *Van Krieken*
[3] *Win – Win*
[4] *Nakamaki et al*
[5] *Grine et al*

www.SID.ir

Archive of SID

کمک نماید تا براین اساس، جذابیت‌های سرمایه‌گذاری به واسطه‌ی تقویتِ اعتماد و اطمینان نسبت به بازار سرمایه افزایش یابد (کوئر و شارما[1]، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، وجودِ رویکرد متمدانه در راهبری شرکتی باعث خواهد شد تا حقوق سهامداران حتی سهامداران خُرد نیز موردتوجه باشد و با انعکاس واقعیت‌ها به آن‌ها برای پیشبرد اهداف و استراتژی‌های شرکت، گام‌های مهمی را بردارند. زیرا سهامداران صاحبان اصلی شرکت هستند و نظام راهبری شرکتی پویا قادر خواهد بود تا با توسعه نظارت‌های اثربخش از طریق تمدن حاکمیتی، سطح نیازها و انتظارات آنان را برآورده نماید (شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). با ارجاع به سندِ چشم‌انداز بیست ساله و همچنین ابلاغِ سیاست‌های کلی با اهدافی همچون شاخص‌های اقتصادی؛ اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور؛ گسترش و تعمیق نظام جام تامین مالی و گسترش سهم بازار سرمایه می‌توان نقش تمدنِ حاکمیتی در ضرورتِ توجه به حقوق سرمایه‌گذاران را مهم تلقی نمود و از آن به عنوان یکی از پیامدهای مهم توسعه بازار سرمایه به منظور پایداری اقتصاد یاد نمود تا با توسعه راهکارهایی در سطح راهبری شرکتی، سطحِ حفاظت‌پذیری از منافعِ سهامداران تقویت گردد. باتوجه به توضیح‌های داده شده، سوال‌های زیر برای انجام فرآیندهای تحلیل ارائه می‌شود:

۱. ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی کدامند؟
۲. اثرگذارترین ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی در شرکت‌های بازار سرمایه ایران کدامند؟

پیشینه پژوهش

در این بخش با استناد به پژوهش‌های روز دنیا در خصوص مفهوم یکپارچگی تلاش می‌گردد تا پشتوانه منسجمی از پژوهش‌های تجربی ارائه شود، تا ضمن افزایش آگاهی نسبت به حیطه‌های پژوهشی انجام شده، در عین حال جهت تطبیق نتایج در بخش آخر مورد استناد قرار گیرد. هرچند بررسی تمدنِ مالکیتی در پژوهش‌های بین المللی با واژگان همدلی شرکتی و یکپارچگی شرکتی عجین شده است و انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به ایجادِ انسجام ادراکی و نظری کمک نماید. نِریلا[2] (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «آیا ساختار حاکمیتی فراگیر بر عملکردهای شرکت اثرگذار است؟» انجام دادند. در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بمبئی[3] (BSE) در کشور هند مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد، اندازه هیئت‌مدیره به عنوان یکی از ابعاد حاکمیت شرکتی فراگیر، بر بازده دارایی‌ها و کیوتوبین تأثیر مثبت و مستقیمی دارد که می‌تواند فرآیند تصمیم گیری شرکت را برای حفاظت از منافع ذینفعان بیرونی تقویت نماید. وِندی و همکاران[4] (۲۰۲۲) پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش تعدیل‌کنندگی حاکمیتِ شرکتی خوب در ارتباط کارکردهای محتوایی طراحی سازمان با پایداری شرکت» انجام دادند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کارکردهای استراتژی؛ هماهنگی و فرهنگ سازمانی بر حاکمیت شرکتی خوب تأثیر معنی داری دارد. همچنین مشخص گردید کارکردهای محتوایی طراحی سازمان بر پایداری شرکت تاثیر مثبت و مستقیم دارد. این تأثیر تحت وجود حاکمیت شرکتی خوب تشدید می‌گردد. زرین‌نگار و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان «واکاوی و تبیین تمدن سازمانی در سازمان‌های دولتی ایران» انجام دادند. جامعهٔ آماری در بخش کیفی، خبره‌های منابع انسانی و رفتار سازمانی است. خبرگان با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلولهٔ برفی شناسایی شدند. براساس نتایج، در شرایط علّی تعیین اهداف و رهبری تمدن سازمانی شناسایی شد. پدیدهٔ اصلی مدنیت سازمانی در رابطه با شرایط مداخله‌گر، سازمان کمال‌گرا بود. بستر حاکم، فرهنگ سازمانی و اقدامات

[1] *Kaur & Sharma*
[2] *Neralla*
[3] *Bombay Stock Exchange*
[4] *Wendry et al*

www.SID.ir

Archive of SID

مطلوب مدیریت منابع انسانی توانمندساز و راهبرد اصلی سوسیوکراسی، ادهوکراسی، تکنوانفوکراسی و مریتوکراسی قطعی و شناسایی شد. پیامد اصلی این مدل نیز سازمان متمدن است و نتایج به‌دست آمده از مدل حداقل مربعات جزئی، گویای تأیید و صحت طراحی روابط بود.

روش شناسی پژوهش

یکی از روش‌های تحلیل ماتریسی، تحلیلِ ماتریس قطبی براساس روش تصمیم‌گیری چند معیاره[1] (MCDM) می‌باشد (چیتهامبارانتهان و همکاران[2]، ۲۰۱۵). اما خو.د روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) در حالت ساده برحسب موقعیت تحلیل به تحلیل‌های نظیر AHP یا ANP و غیره دسته بندی می‌شود (ساتی[3]، ۱۹۹۰). هریک از گزینه‌ها بسته به طراحی مساله تصمیم‌گیری براساس هریک از ضوابط مربوط به ماهیت تحلیل، ارزشگذاری می‌شوند چه به تنهایی و چه دو به دو در مقایسه با گزینه‌های دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این پژوهش همانند فرآیند تحلیل در روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، ابتدا ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی براساس فرآیند تحلیل فراترکیب مورد شناسایی قرار می‌گیرد تا براساس آن ساختار مسئله که شامل یک مقایسه زوجی بین مولفه‌های پژوهش است، مورد کنکاش قرار گیرد. لذا براین اساس می‌توان بیان نمود، از نظر ماهیت روش شناسی نتیجه، این پژوهش در دسته پژوهش‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرد، چراکه عدم‌انسجام تئوریک در باب مفاهیم و تئوری‌های مرتبط به این حوزه، باعث گردیده است تا این پژوهش به دنبال ایجاد یک مبنای نظری منسجم در خصوصِ ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی باشد. از طرف دیگر نیز براساس نوع داده این پژوهش ترکیبی است، زیرا در بخش کیفی از طریق غربالگری نظری براساس روش سیستماتیک فراترکیب، این پژوهش به دنبال شناسایی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه می‌باشد و سپس در بخش کمی از طریق تحلیل ماتریس قطبی براساس روش تصمیم‌گیری چندمعیاره، نسبت به ارزیابی الگویِ ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه اقدام می‌شود. معمولاً فرآیندهای تصمیم‌گیری براساس مولفه‌ها که در قالب تحلیل ماتریسی و براساس مقایسه زوجی مورد بررسی قرار می‌گیرند، یکی از بهترین فرآیندهای رتبه‌بندی تفسیری[4] (IRP) می‌باشند (سوشیل[5]، ۲۰۰۹). در اجرای فرآیند رتبه‌بندی تفسیری (IRP)، روابط بین معیارها در قالب روابط ضمنی و انتقال‌پذیر همانند فرآیند رتبه‌بندی تفسیری (ISM) مورد استفاده قرار می‌گیرد (سوشیل، ۲۰۱۷). براساس توضیح‌های داده شده می‌توان فرآیندِ رتبه‌بندی تفسیری را در قالب فرآیندهای زیر بیان نمود:

الف) فرآیند رتبه‌بندی تفسیری کارآمد برای ارزشگذاری چندمعیاره

روش فرآیند رتبه‌بندی تفسیری کارآمد[6] برای انجام ارزشگذاری چندمعیاره تفسیری ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه می‌بایست مدنظر قرار گیرند شامل طی نمودن گام‌های مهم زیر هستند:

(۱) شناسایی مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه

(۲) مرتبط ساختن مولفه‌ها با به صورت سطری و ستونی در قالب یک ماتریس تعامل متقاطع (ماتریس باینری). در واقع درایه‌های ماتریسی براساس مشارکت خبرگان تفسیر شده و به یک ماتریس تفسیری[7] تبدیل می‌شوند.

(۳) شناسایی یک رابطه ضمنی متمرکز برای مقایسه‌ی هریک از گزاره‌ها براساس ۰ و ۱ سنجش می‌شود. اگر گزاره A تاثیرگذار بر گزاره B باشد، خانه مورد نظر عدد ۱ و اگر برعکس باشد عدد ۰ و اگر متقابل باشند هم

[1] *Multi-Criteria Decision Making*
[2] *Chithambaranathan et al*
[3] *Saaty*
[4] *Interpretive Ranking Process*
[5] *Sushil*
[6] *The Efficient IRP*
[7] *Interpretive Matrix*

www.SID.ir

Archive of SID

خانه‌ی مذکور عدد ۱ می‌گیرد و هم قرینه‌ی آن. اگر هم بی ارتباط باشند هر دو خانه صفر به آن تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر چنانچه دو گزینه برای یک معیار دارای درایه‌های «۰» باشند، آنگاه باید به عنوان یک رابطه غیرغالب ضمنی در نظر گرفته شود و به صورت «۰» در ماتریس تعامل غالب برای آن معیار وارد شود.

(۴) همچنین اگر ارتباط بین دو مولفه مستقیم باشد و مولفه‌ی مرتبطی نیز با یکی از مولفه‌ها در ارتباط مستقیم باشد و عدد ۱ بگیرد، مولفه‌ی دیگر نیز با مولفه‌ی مربوطه دارای ارتباط قطبی است. مثلا اگر مولفه A بر مولفه B تاثیر مستقیم دارد، آنگاه مولفه B برمولفه C نیز تاثیر مستقیم داشته باشد، مولفه A بر مولفه C یک تاثیر قطبی است یا اصطلاحاً انتقال‌پذیر است.

شکل (۴) فرآیند تاثیرگذاری مستقیم و قطبی گزاره‌ها در ماتریس تفسیری

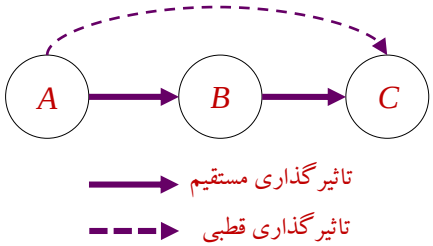

(۵) جمع تمامی ماتریس‌های تعاملی غالب با نماد $[D_i]$ و ماتریس متقابل با نماد $[D]$ نمایش داده می‌شود. معادله (۱) برای فرآیند رتبه‌بندی تفسیری ساده و معادله (۲) برای فرآیند رتبه‌بندی تفسیری وزنی با وزن W_i برای i مین معیار استفاده می‌شود:

$$D = \sum_i D_i \quad (۱)$$

$$D = \sum_i w_i D_i \quad (۲)$$

مشتق وزن‌ها با استفاده از مدلسازی تحلیل جامعِ ساختاری تفسیری (TISM) در بخش بعدی توضیح داده می‌شود. مدلسازی جامعِ تفسیری ساختاری می‌تواند برای تولید سلسله‌مراتب معیارهای یکپارچه‌سازی ارزش جهت بدست‌آوردن اوزان مولفه‌ها یعنی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه طبق رویکرد سوشیل (۲۰۱۷) مورد استفاده قرار گیرد. این مراحل را می‌تواند در قالب فرآیندهای تفسیری زیر مشاهده نمود:

- مرحله اول) در این مرحله می‌بایست براساس روش‌های تحلیل کیفی همچون فراترکیب مولفه‌ها مشخص گردند.
- مرحله دوم) در این مرحله چک لیست‌ها به صورت مقایسه زوجی برای تعیین ماتریس خودتعاملی تدوین و تهیه می‌شوند و بین اعضای جامعه هدف پژوهش توزیع می‌گردند. مقایسه زوجی به صورت ستونی و سطری بین تک‌تک متغیرها صورت می‌پذیرد تا مشخص شود مولفه سطر «i» عامل ایجاد مولفه ستون «j» شده است یا بلعکس، یا ارتباط متقابل وجود دارد و یا ارتباطی وجود ندارد. همچنین میزان تقارن ارتباط بین مولفه‌ها را نشان می‌دهد.
- مرحله سوم) در این مرحله ماتریس خودتعاملی ایجاد و تفسیر می‌شوند. در واقع مقایسه زوجی عناصر با تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری «SSIM» صورت می‌پذیرند. تفسیری که تنها مسیر ارتباط را

www.SID.ir

Archive of SID

در تحلیل «ISM» مشخص می‌نماید، درحالیکه در روش تفسیری ساختاری فراگیر «TISM» به طور کامل هر مقایسه زوجی را با پاسخ به سوال تفسیری ذکر شده در گامل قبل تفسیر می‌نماید. برای مقایسه‌های زوجی i امین شاخص به صورت دو به دو با تمام عناصر از $(i+1)$ ام تا n ام مقایسه می‌گردد. برای هر ارتباط پاسخ بله «Y» یا خیر «N» داده شده و در صورت پاسخ مثبت، دلیل آن بیان می‌گردد. در اینصورت منطق تفسیری روابط زوجی به فرم پایه علمی منطقی تفسیری ارائه شده است. جدول زیر فرم مقایسه زوجی بین مولفه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

- مرحله چهارم) در این مرحله ماتریس دستیابی براساس مقایسه‌های زوجی انجام شده توسط جامعه هدف به صورت ۱+ و یا ۰ در جدول ماتریسی مشخص می‌شوند. این روابط به صورت زیر تعریف می‌شوند:
  - اگر i منجر به j شود و تقارن +ve وجود داشته باشد، در خانه ij عدد ۱+ و در خانه ji عدد ۰ را قرار می‌دهیم
  - اگر j منجر به i شود و تقارن +ve وجود داشته باشد، در خانه ji عدد ۱+ و در خانه ij عدد ۰ را قرار می‌دهیم
  - اگر i برابر با j شود و تقارن +ve وجود داشته باشد، در هردو خانه ij و ji عدد ۱+ را قرار می‌دهیم
  - اگر ارتباطی بین i با j وجود نداشته باشد، در هردو خانه ij و ji عدد ۰ را قرار می‌دهیم
- مرحله پنجم) در این مرحله تقسیم‌بندی سلسله‌مراتبی ماتریس دستیابی صورت می‌گیرد. تعیین روابط بین متغیرها ابتدا باید مجموعه خروجی، مجموعه ورودی و عناصر مشترک را شناسایی نمود. نمره تعیین سطح و اولویت متغیرها مجموعه دستیابی و مجموعه پیش نیاز برای هر متغیر تعیین می‌شود.
- مرحله ششم) در این مرحله، نمودار سلسله‌مراتبی باتوجه به تقارن روابط بین مولفه‌ها تهیه می‌شود. مولفه‌های سطوح سلسله‌مراتبی ابتدا مرتب می‌شوند و سپس براساس ماتریس قابلیت دستیابی با تقارن‌گرایی ارتباط مستقیم بین مولفه‌ها پیوند خورده می‌شوند.
- مرحله هفتم) ماتریس تفسیری با تقارن‌گرایی تهیه می‌شود که تفسیر گره‌ها و لینک‌های مربوط به شاخص‌های تدوین شده در قالب مدل ساختاری تفسیری فراگیر می‌باشند.

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری در بخش کیفی، شامل ۱۵ نفر از متخصصان و خبرگان رشته حسابداری در سطح دانشگاهی هستند، که به واسطه انجام پژوهش‌های علمی در زمینه مشابه، دارای رویکردی تخصصی و علمی در این رابطه می‌باشند. این افراد از طریق روش نمونه‌گیری همگن انتخاب شدند، چراکه هدف این بود، افرادی که در این بخش مشارکت می‌کنند، که دارای دید نظری در رابطه با موضوع پژوهش باشند. همچنین براساس تحلیل فراترکیب، در این بخش از پژوهش‌هایی مرتبط با مفاهیم پژوهش بهره برده می‌شود. در فاز دوم، به منظور انجام بخش تحلیل تفسیری رتبه‌بندی، از ۲۴ نفر از مدیران شرکت‌های بازار سرمایه که چه به لحاظ دانشی و چه به لحاظ تجربی دارای سابقه بودند، خواسته شده تا براساس پرسشنامه‌های ماتریسی نسبت به مقایسه سطری «i» و ستونی «j» مولفه‌ها را یکدیگر اقدام شود. قابل ذکر است که باتوجه به اینکه تحلیل رتبه‌بندی تفسیری (IRP) یک تحلیل مبتنی بر تجزیه و تحلیلی ماتریسی و تحلیل در عملیات می‌باشد، می‌بایست براساس معیار مشخصی همچون تجربه یا

www.SID.ir

Archive of SID

دانش تخصصی توسط مشارکت‌کنندگان صورت پذیرد که براین مبنا از نظر حجم نمونه محدود است و مطابق با پژوهش‌هایی همچون سوشیل (۲۰۱۷)؛ چیتهامبارانتهان و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

براساس مفهوم حاضر در این پژوهش باتوجه به اینکه، چارچوب منسجمی در این‌باره وجود ندارد، ابتدا از طریق شیوه‌های تحلیل کیفی نسبت به انتخاب مولفه‌های پژوهش و تعیین پایایی آن استفاده می‌شود و سپس براساس تحلیل رتبه‌بندی تفسیری در بخش تحلیل کمی نسبت به تعیین تأثیرگذارترین مولفه‌ها اقدام می‌شود. باوجود این، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان در این مطالعه باتوجه به تشریح ابتدایی محقق درباره موضوع برای آن‌ها، توانستند ادراک مناسبی جهت شناسایی مولفه‌های موردنظر پژوهش بدست آورند و ویژگی‌ها و ابعاد آن را در قالب چک لیست‌های ماتریسی تعیین نمایند. براین اساس ابتدا در بخش تحلیل کیفی، تحلیلِ فراترکیب؛ دلفی و سپس در بخش کمی، تحلیل تفسیری رتبه‌بندی ارائه خواهد شد.

لذا در بخش اول براساس تحلیل فراترکیب طی بازه زمانی ۲۰۲۲-۲۰۱۸ نسبت به تعیین پژوهش‌های مشابه جهتِ غربالگری محتوایی اقدام می‌شود تا بتوان مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه تعیین شود. لذا ابتدا می‌بایست براساس مرورِ پژوهش‌های تجربی مشابه، براساس عنوان: محتوا و تحلیل، پژوهش‌هایی مورد بررسی قرار گیرد که بیشترین غرابت را با موضوع پژوهش دارد. براین اساس این غربالگری به ترتیب زیر ارائه شده است:

شکل (۵) مرور پژوهش‌های متناسب با ماهیت ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه

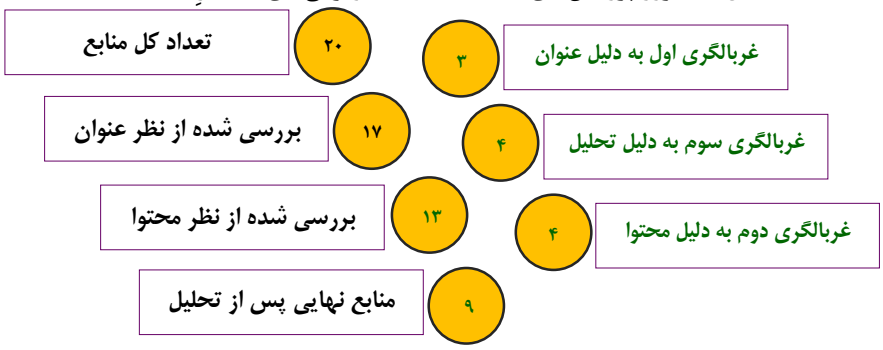

براساس این سه مرحله، ۷ پژوهش تأیید گردید. در گام سوم از نظر ارزیابی انتقادی[1] با مشارکتِ خبرگان پژوهش مورد تحلیل قرار گیرد. این فرآیند شامل ۱۰ معیار زیر است که براساس امتیازِ حداقل (۱) و حداکثر (۵) مورد بررسی قرار می‌گیرد. مجموع امتیازها براساس ۱۰ معیار می‌تواند ۵۰ باشد که اگر پژوهشی امتیاز ۳۰ و بیش از آن را کسب نماید، وارد گام چهام می‌شود.

شکل (۵) معیارهای فرآیندِ ارزیابی انتقادی

[1] *Critical Appraisal Process*

www.SID.ir

Archive of SID



حالا براساسِ شناختِ بهترِ فرآیند انجام تحلیل در این گام، با مشارکتِ خبرگانِ پژوهش، ۹ پژوهشِ اولیه‌ی تاییدشده، مورد واکاویی امتیازی براساس تحلیل ارزیابی انتقادی قرار می‌گیرد.

جدول (۱) تحلیلِ ارزیابی انتقادی

معیارهای ارزیابی انتقادی / مقاله‌ها	اهداف تحقیق	منطق روش تحقیق	طرح تحقیق	نمونه برداری	جمع آوری داده‌ها	انعکاس پذیری	ملاحظات اخلاقی	دقت تجزیه و تحلیل	بیان تئوریک و شفاف	ارزش تحقیق	جمع
نِریلا (۲۰۲۲)	۴	۵	۴	۳	۴	۴	۴	۳	۳	۴	۳۸
وِندی و همکاران (۲۰۲۲)	۳	۲	۴	۳	۳	۴	۳	۴	۳	۳	۳۲
سیمونز و همکاران (۲۰۲۰)	۳	۳	۳	۲	۳	۲	۳	۲	۲	۳	۲۷
هریس و تومبی[1] (۲۰۲۰)	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۳۹
وان و همکاران (۲۰۲۰)	۳	۲	۳	۳	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳۰
چیزیما و پوکریبانا[2] (۲۰۱۹)	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳	۳	۵	۳۳
آل-اَبرو و همکاران (۲۰۱۹)	۴	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴۰
پیروزمند و خورشیدی (۱۳۹۸)	۵	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۴	۳۷
زرین‌نگار و همکاران (۱۳۹۷)	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۳۷

امتیازهای ارائه شده براساس شاخص مد، نشان داد، از مجموع ۹ پژوهش مرتبط با تمدن حاکمیتی، تنها یک پژوهش باتوجه به اینکه از مجموع ۵۰ امتیاز، زیر ۳۰ دریافت نمودند و برحسب دستورالعمل حد کفایت امتیاز این تحلیل پژوهش‌هایی که امتیاز ۳۰ و بالاتر را کسب نمایند، مورد تایید هستند، حذف گردیدند و به همین دلیل از دور بررسی خارج شدند. در ادامه اقدام به استخراج گزاره‌های پژوهش می‌شود. براین اساس به منظور تعیین گزاره‌های تمدن حاکمیتی از روش امتیازی زیر استفاده می‌شود.

جدول (۵) فرآیند تعیین گزاره‌های پژوهش

[1] *Harris & Twomey*
[2] *Chizema & Pogrebna*

www.SID.ir

Archive of SID

موقعیت پژوهش‌ها	محققان	مدنیت‌سازی	سوسیوکراسی	مریتوکراسی	تکنوانفوکرا	ادهوکراسی	کاریزماتیک	هولوگرافیک	مالکیت‌سازی
پژوهش‌های بین‌المللی	نِریلا (۲۰۲۲)	☑	☑	–	☑	–	☑	☑	–
	وِندی و همکاران (۲۰۲۲)	☑	☑	☑	–	☑	–	☑	☑
	هریس و تومبی (۲۰۲۰)	☑	–	☑	☑	–	–	☑	✓
	وان و همکاران (۲۰۲۰)	–	☑	–	☑	☑	✓	–	–
	چیزیما و پوکریبانا (۲۰۱۹)	☑	☑	☑	–	☑	☑	–	–
	آل-اَبرو و همکاران (۲۰۱۹)	–	–	☑	☑	☑	–	☑	–
داخلی	پیروزمند و خورشیدی (۱۳۹۸)	☑	☑	–	–	☑	–	☑	–
	زرین‌نگار و همکاران (۱۳۹۷)	–	☑	☑	☑	☑	–	☑	–
	جمع	۵	۶	۵	۵	۶	۲	۶	۱

نتایج از تایید ۶ گزاره‌های تمدنِ حاکمیتی براساس حدبالای توزیع فراوانی حکایت دارد. در این بخش پس از واکاوی در مبانی نظری پژوهش‌های تایید شده، اقدام به تعریف هریک از گزاره‌های شناسایی شده طبق جدول (۶) شده است.

جدول (۶) گزاره‌های تمدن حاکمیتیِ

گزاره‌های تمدنِ حاکمیتی	نمادها	تعاریف
مدنیت‌سازی	S1	یکی از مهمترین بُعدهای تمدنِ حاکمیتی شرکت‌ها، ارتقای سطح مدنیت اجتماعی و حفاظت از حقوق اقلیت‌ها در برابر اکثریت متصدیان قدرت در ساختارهای شرکت‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، ارتقای سطح مدنیت به افزایشِ کارکردهای نظارتیِ اثربخشِ حاکمیت شرکتی کمک می‌کند و مانع از تضییع حقوقِ ذینفعان چه در درون و چه در بیرون شرکت‌ها خواهد شد (هریس و تومبی، ۲۰۲۰).
سوسیوکراسی	S2	سوسیوکراسی که به تعبیری آن را جمع سالاری می‌توان نامید، لازم است در نظامِ راهبری شرکتی در حد مطلوب وجود داشته باشد. برتری سوسیوسیاکراسی بر دمکراسی مرتبط با چگونگی توجه به آراء عمومی است. تلاش اصلی سوسیوکراسی بر پایهٔ تصمیم‌گیری و گفتمان گروهی قرار دارد و بیان می‌کند نظامِ راهبریِ شرکتیِ می‌تواند به سمت تمدن حرکت کند که از این ویژگی برخوردار باشد (چیزیما و پوکریبانا، ۲۰۱۹).
مریتوکراسی	S3	مریتوکراسی، در نظام ساختار حاکمیتی به معنای توازن قدرت براساس اجتماعِ مبتنی بر شایستگی و استحقاق در تصمیم‌گیری‌های شرکت می‌باشد. تأکید رویکرد مریتوکراسی بر این است که برای دستیابی به سطح بالاتری از تمدن حاکمیتی، باید نظام راهبری شرکتی، شایستگی و الگوهای شایسته‌ساز را در ساختارهای تحت نظارت خود پیاده سازی نماید. شایستگی‌هایی که می‌تواند طیف وسیعی از انتصاب‌ها تا تخصیص منابع و تمرکز بر انتظارات ذینفعان را در بر بگیرد (میرسپاسی، ۱۳۸۷).
تکنوانفوکراسی	S4	تکنوانفوکراسی، بر تخصص‌ها و به کارگیری دانش در زمینهٔ راهبری شرکتی تأکید دارد. تمدن حاکمیتی در به کارگیری دانش فرآیندی برای انجام فعالیت های اثربخشِ نظارت‌ها بسیار توانمندند و تلاش می‌کنند با استفاده از دانش به روز و تخصص های سرمایه انسانی، توانمندتر از دیگران عمل کنند و این موضوع مؤید دستیابی به مزیت رقابتی در حاکمیت شرکتی خواهد بود (رمزی‌فرد، ۱۳۹۰)
ادهوکراسی	S5	ادهوکراسی در واقع مؤید ساختار و ارتباطاتِ پویایی حاکمیتِ شرکتی است. بی‌شک ساختارهای چابک به پویایی ارتباطات متعامل و اثربخش درون و بیرون نیاز دارند. از سوی دیگر، هماهنگی بین بخش‌ها و سرعت در نظارت‌های راهبری موضوعی است که در حاکمیتِ شرکتی متمدن بسیار به

www.SID.ir

Archive of SID

		چشم می‌آید و این یکی از نیازهای مهم برای دستیابی به سطح بالاتری از تمدن حاکمیتی شمرده می‌شود (آل-آبرو و همکاران، ۲۰۱۹)
هولوگرافیک	S6	هولوگرافیک رویکردی مبتنی بر ترکیب کل با جزء می‌باشد. بُعد هولوگرافیک در تمدنِ حاکمیتیِ، می‌تواند یکی از ساختارهای بهینه متناسب با هدف شرکت‌ها در فضای رقابتی باشد. از آنجاکه در سازماندهی سازمان های امروز باید ارتباط اجزا به گونه‌ای باشد که هر جزء بتواند ضمن انجام وظایف خود به طور مستقل با اجزای دیگر ارتباطی هم افزا و پوینده داشته باشد، بُعدِ هولوگرافیک حاکمیتی با داشتن چنین ویژگی‌هایی زمینه‌سازِ انعطاف‌پذیری بسیار زیاد و موجب رشد و نوآوری به واسطه‌ی نظارت‌های اثربخش حاکمیتی می‌شوند و می‌توانند به اقتضائات و متغیرهای محیطی پاسخ مناسب و سریع دهند (آل-آبرو و همکاران، ۲۰۱۹).

در گام بعدی، به منظور تعیین اجماع نظر خبرگان برای متناسب بودن مولفه‌های پژوهش با مقوله‌ی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه در سطح بازار سرمایه ایران، از تحلیل دلفی براساسِ دو معیار میانگین و ظریب توافق استفاده می‌شود. لذا برای انجام این بخش باتوجه به مقیاس ۷ گزینه‌ای ارزیابی، طبق جدول (۴) نتایج تحلیل دلفی ارائه شده است.

جدول (۴) فرآیند تحلیل دلفی برای تعیین اجماع نظر خبرگان

	دور اول دلفی		دور دوم دلفی		نتیجه	
	میانگین	ضریب توافق	میانگین	ضریب توافق		
ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۵۰	۰/۷۵	تایید	مدنیت‌سازی
	۵	۰/۵۰	۵/۱۰	۰/۵۵	تایید	سوسیوکراسی
	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۵۰	۰/۷۵	تایید	مریتوکراسی
	۶	۰/۸۰	۶/۲۰	۰/۸۵	تایید	تکنوانفوکراسی
	۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۳۰	۰/۶۵	تایید	ادهوکراسی
	۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۳۰	۰/۶۵	تایید	هولوگرافیک

نتایج پس از دو دور تحلیل در گام دلفی نشان داد، تمامی مولفه‌های پژوهش براساسِ ضریب توافق و میانگین مورد تأیید قرار گرفتند. لذا مجموعاً ۶ مولفه‌ی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه براساس چارچوبِ نظری تدوین‌شده‌ی زیر، وارد فاز تحلیل رتبه‌بندی تفسیری می‌شوند. در این بخش به عنوانِ گامِ آخرِ تحلیل کیفی، الگوی نظری پژوهش برای تحلیلِ ابعادِ ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه ارائه می‌شود.

شکل (۵) الگوی نظری پژوهش

www.SID.ir

Archive of SID



در ادامه همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد، پژوهش واردِ فازِ تحلیل رتبه بندی تفسیری می‌شود تا اثرگذارترین مولفه‌ی مربوط به ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه را مشخص نماید. لذا جهتِ مقایسه زوجی مولفه‌های پژوهش از فرآیندِ ارزیابی تاثیرگذاری سطر «i» بر ستون «j»و یا برعکس و یا متقابل، استفاده می‌شود. لذا به منظور ایجاد ماتریس‌های تعاملی ابتدا می‌بایست سطح ارتباط مستقیم، متقارن و یا غیرمستقیم را همسو با توضیح‌ها مور توجه قرار داد. برای تعیین نوع روابط پیشنهاد شده است که از نظر خبرگان براساسِ نمادهای مندرج در جدول (۵) استفاده می‌شود.

جدول (۵) روابط مفهومی در تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

اختصارات تعریف شده				
	V	**A**	**X**	**O**
تشریح ریاضی	$i \Rightarrow j$	$i \Leftarrow j$	$i \Leftrightarrow j$	$i \not\Leftrightarrow j$
تشریح تفسیری	اثر مستقیم سطر بر ستون	اثر مستقیم ستون بر سطر	اثرمتقابل سطر و ستون	عدم وجود اثر سطر و ستون

با عنایت به اختصارات این تحلیل، در ادامه نسبت به تشکیلِ ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM) اقدام می‌شود. در این بخش می‌بایست نسبت به تعیینِ ماتریس تفسیری براساس مقایسه سطر «i» و ستون «j» و شاخصِ مُد به ترتیب زیر اقدام شود.

جدول (۶) ماتریس خودتعاملی مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه

		S	مدنیت	سوسیوکراسی	مریتوکراسی	تکنوانفوکراسی	ادهوکراسی	هولوگرافیک
			S1	S2	S3	S4	S5	**S6**
مولفه	مدنیت‌سازی	S1	–	*O*	*O*	*V*	*A*	***O***
	سوسیوکراسی	S2		–	*X*	*X*	*A*	***O***

www.SID.ir

Archive of SID

مریتوکراسی	S3	–	*O*	*A*	***O***
تکنوانفوکراسی	S4		–	*A*	***A***
ادهوکراسی	S5			–	***V***
هولوگرافیک	S6				–

مولفه‌های مستقر ستون «***j***»

جدول (۸) تحلیل تفسیری ماتریس متقابلِ مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه

	S1	S2	S3	S4	S5	S6
S1	–			ویژگی مدنیت‌سازی ساختارِ حاکمیت شرکتیی مبنایی برای تکنوانفوکراسی ساختار حاکمیتی		
S2		–	ویژگی سوسیوکراسی ساختارِ حاکمیت شرکتیی مبنایی برای مریتوکراسی ساختار حاکمیتی	ویژگی سوسیوکراسی ساختارِ حاکمیت شرکتیی مبنایی برای تکنوانفوکراسی ساختار حاکمیتی		
S3		ویژگی مریتوکراسی ساختارِ حاکمیت شرکتیی مبنایی برای سوسیوکراسی ساختار حاکمیتی	–			
S4		ویژگی تکنوانفوکراسی ساختارِ حاکمیت شرکتیی مبنایی برای سوسیوکراسی ساختار حاکمیتی		–		
S5	ویژگی ادهوکراسی ساختارُ حاکمیت شرکتی مبنایی برای مدنیت‌سازی ساختارِ حاکمیتی	ویژگی ادهوکراسی ساختارُ حاکمیت شرکتی مبنایی برای سوسیوکراسی ساختارِ حاکمیتی	ویژگی ادهوکراسی ساختار حاکمیت شرکتی مبنایی برای مریتوکراسی ساختارِ حاکمیتی	ویژگی ادهوکراسی ساختار حاکمیت شرکتی مبنایی برای تکنوانفوکراسی ساختار حاکمیتی	–	**ویژگی ادهوکراسی ساختار حاکمیت شرکتی مبنایی برای هولوگرافیک ساختار حاکمیتی**
S6				ویژگی هولوگرافیک ساختار حاکمیت شرکتی مبنایی برای تکنوانفوکراسی ساختار حاکمیتی		–

مولفه‌های مستقر سطر «***i***»

www.SID.ir

Archive of SID

مولفه‌های مستقر ستون «j»

در این بخش می‌بایست براساسِ فرآیندِ تبدیل اختصارهای تعریف شده در جدول (۵)، نحوه‌ی تبدیل نمادهای اختصاری ارائه شده در جدول (۶) توسط خبرگان پژوهش، براساسِ جدول (۹) تعریف شود. در این بخش براساس این مفاهیم، اقدام به تشکیل ماتریس دستیابی جهتِ تعیین مقایسه سطر «i» و ستون «j» براساس ۰ و ۱ می‌شود.

جدول (۹) فرآیندِ تبدیل نمادهای اختصاری به ۰ و ۱

تبدیل نمادهای مفهومی به اعداد کمی		
نماد مفهومی	V	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۱ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۰ قرار می‌گیرد.
	A	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۰ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۱ قرار می‌گیرد.
	X	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۱ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۱ قرار می‌گیرد.
	O	خانه‌ی مربوط به این زوج در ماتریس دستیابی عدد ۰ و خانه‌ی قرینه‌ی آن عدد ۰ قرار می‌گیرد.

جدول (۱۰) ماتریس دستیابی مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه

مولفه‌های مستقر سطر		S	مدنیت	سوسیوکراسی	مریتوکراسی	تکنوانفوکراسی	ادهوکراسی	هولوگرافیک
			S1	S2	S3	S4	S5	**S6**
	مدنیت‌سازی	S1	***1***	*0*	*0*	*1*	*0*	***0***
	سوسیوکراسی	S2	*0*	***1***	*1*	*1*	*0*	***0***
	مریتوکراسی	S3	*0*	*1*	***1***	*0*	*0*	***0***
	تکنوانفوکراسی	S4	*0*	*1*	*0*	***1***	*0*	***0***
	ادهوکراسی	S5	*1*	*1*	*1*	*1*	***1***	***1***
	هولوگرافیک	S6	*0*	*0*	*0*	*1*	*0*	*1*

مولفه‌های مستقر ستون «j»

در ادامه‌ی تحلیل جهتِ تعیین ارتباطِ غیرمستقیم بین مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه، مقایسه‌ی زوجی i امین مولفه به صورت دو به دو با تمام عناصر از $(i+1)$ ام تا n ام مورد مقایسه قرار می‌گیرد. برای هر ارتباط پاسخ بله از گزینه «☑» استفاده شده است که به معنایِ وجودِ ارتباط قطبی بین مولفه‌های پژوهش است.

جدول (۱۱) مقایسه زوجی بین مضامین گزاره‌ای براساس فرم ماتریس

ماتریس متقابل S6 ...*S1*										
S6 − S1	S1 − S6	S5 − S1	S1 − S5	S4 − S1	S1 − S4	S3 − S1	S1 − S3	S2 − S1	S1 − S2	
		☑								*S1*
ماتریس متقابل S6 ...*S2*										
S6 − S2	S2 − S6	S5 − S2	S2 − S5	S4 − S2	S2 − S4	S3 − S2	S2 − S3			
		☑		☑		☑				*S2*
ماتریس متقابل S6 ...*S3*										
S6 − S3	S3 − S6	S5 − S3	S3 − S5	S4 − S3	S3 − S4					

www.SID.ir

Archive of SID

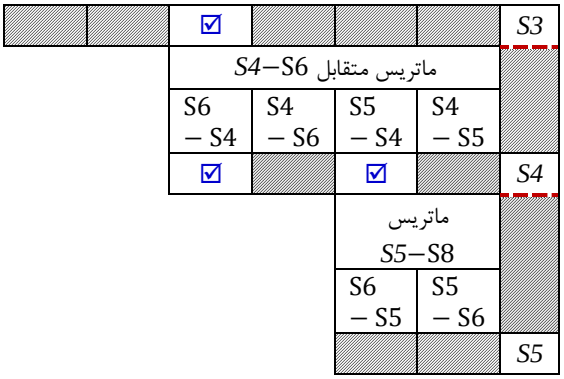

براساس، ماتریس مقایسه زوجی، در این بخش اقدام به تدوین ماتریس دستیابی نهایی براساس ارتباط غیرمستقیم مولفه‌های پژوهش می‌شود. در واقع در این بخش اگر مولفه‌ی S1 با مولفه‌ی S2 بدون ارتباط تفسیر شده باشد، اما ارتباط بین S2 با S3 به صورت مستقیم تعریف شده است، براساس اجرای دستور بولین پروداکت در نرم افزار متلب می‌توان ارتباط S1 با S3 به صورت متقارن و در قالب «*۱» تعیین شود. لذا نتایج این بخش در جدول (۱۲) به ترتیب زیر ارائه شده است.

جدول (۱۲) ماتریس دستیابی نهایی مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه

	S	مدنیت	سوسیوکراسی	مریتوکراسی	تکنوانفوکراسی	ادهوکراسی	هولوگرافیک
		S1	S2	S3	S4	S5	**S6**
مولفه‌های مستقر سطر	S1 مدنیت‌سازی	***1***	*1**	*0*		*0*	***0***
	S2 سوسیوکراسی	*0*	***1***			*1**	***0***
	S3 مریتوکراسی	*0*		***1***	*0*	*1**	***0***
	S4 تکنوانفوکراسی	*0*		*0*	***1***	*1**	***0***
	S5 ادهوکراسی					***1***	
	S6 هولوگرافیک	*0*	*0*	*0*		*0*	*1*
				مولفه‌های مستقر ستون «***j***»			
		تأثیرگذاری مستقیم				تأثیرگذاری انتقالی	

باتوجه به مشخص شدن، سطح تاثیرگذاری مستقیم و انتقالی مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه، در گام بعد اقدام به تعیین درصدهای امتیاز مجموع سطح تاثیرگذاری‌ها می‌شود که این نتایج در قالبِ جدول (۱۲) ارائه شده است.

جدول (۱۲) درصد امتیازهای سطح تاثیرگذاری مضامین استیلایِ قدرت

		تاثیرگذاری مستقیم	تاثیرگذاری انتقال‌پذیر	تاثیرگذاری تفسیری	تاثیرگذاری کلی	درصد تاثیرگذاری جامع	
مولفه‌های ویژگی‌های	S1	۲	۱	۱	۴	۱۲/۵	4th
	S2	۳	۱	۲	۶	۱۸/۷۵	2nd
	S3	۲	۱	۱	۴	۱۲/۵	4th
	S4	۲	۱	۱	۴	۱۲/۵	4th
	S5	۶	۰	۵	۱۱	**۳۴/۳۷**	1^{sh}
	S6	۲	۰	۱	۳	۹/۳۷	3rd
	مجموع	۱۷	۴	۱۱	**۳۲**		*Rank*

www.SID.ir

Archive of SID

۳۴/۳۷	۱۲/۵	۵۳/۱۲	**درصد**

نتایج نشان داد، ۵۳/۱۲ درصد ارتباط بین مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه، مستقیم و تنها ۱۲/۵ درصد دارای تاثیرگذاری انتقالی هستند. از مجموع تاثیرگذاری کلی مبتنی بر مقیاسه زوجی بین مولفه‌های پژوهش مشخص شد، درصدِ تاثیرگذاری ویژگیِ ادهوکراسی نسبت به بقیه ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه بیشتر است، که به معنای وجود ارتباطات متعامل در نظام راهبری شرکتی و درک متقابل انتظارات و نیازهای درون و بیرون شرکت مبنی بر حفظ حقوق ذینفعان می‌باشد. در ادامه باهدفِ تقویتِ شناختِ مولفه‌های پژوهش از نظر ماتریس میک‌مک، اقدام به جایگذاری هریک از مولفه‌های پژوهش در درون این ماتریس می‌شود.

جدول (۱۳) تعیین قدرت نفوذ و وابستگی مولفه‌های ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه

		S	S1	S2	S3	S4	S5	S6	قدرت نفوذ
مولفه‌های مستقر سطر	مدنیت‌سازی	S1	***1***	*1**	*0*	*1*	*0*	*0*	**۳**
	سوسیوکراسی	S2	*0*	***1***	*1*	*1*	*1**	*0*	**۴**
	مریتوکراسی	S3	*0*	*1*	***1***	*0*	*1**	*0*	**۳**
	تکنوانفوکراسی	S4	*0*	*1*	*0*	***1***	*1**	*0*	**۳**
	ادهوکراسی*	S5	*1*	*1*	*1*	*1*	***1***	*1*	**۵**
	هولوگرافیک	S6	*0*	*0*	*0*	*1*	*0*	***1***	**۲**
	قدرت وابستگی		۲	۵	۳	۵	۴	۲	

مولفه‌های مستقر ستون «*j*»

براساس تعیین قدرت نفوذ و وابستگی اقدام به تحلیل گره‌ها و لینک‌های هریک از مولفه‌های پژوهش در قالب تحلیل نموداری میک‌مک می‌شود. لذا براساس قدرت نفوذ و وابستگی از طریقترکیب‌نمودن تقارنِ مولفه‌های براساسِ ۴ بُعدِ نموداری این تحلیل، مولفه‌های جایگذاری می‌شوند.

نمودار (۱) (MICMAC) قرارگرفتن مولفه‌های پژوهش براساس قدرت نفوذ و وابستگی

	رُبعِ مستقل				رُبعِ پیوندی				
قدرت نفوذ									*8*
									7
									6
				⟦S5⟧					*5*
					⟦S2⟧				*4*
		⟦S1⟧	⟦S3⟧		⟦S4⟧				*3*
		⟦S6⟧							*2*
									1
	1	*2*	*3*	*4*	*5*	*6*	*7*	*8*	
	رُبعِ خودمُختاری				رُبعِ وابسته				

www.SID.ir

Archive of SID

	قدرتِ وابستگی	

همانطور که نتایج نشان می‌دهد، در رُبع اول، یعنی خودمختاری، سه ویژگیِ مدنیت‌سازی؛ مریتوکراسی و هولوگرافیک قرار دارند که از نظر، اهمیت در بین مولفه‌های پژوهش از جایگاه پایینی برخوردار هستند، زیرا به دلیل میزان وابستگی و قدرت هدایت کمی دارند، نقش اثرگذاری در فرآیندهای ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه در سطح بازار سرمایه ایفا نمی‌کنند. از طرف دیگر در رُبع وابسته مشخص شد، دو ویژگیِ سوسیوکراسی و تکنوانفوکراسی قرار دارند که اگرچه قدرت نفوذ پایین‌تری از حد مطلوب دارند، اما از قدرت وابستگی قوی برخوردار هستند. لذا دو ویژگیِ سوسیوکراسی و تکنوانفوکراسی تحت تأثیر متغیرِ رُبع مستقل قرار دارند. در رُبع مستقل مشخص شد ویژگیِ ادهوکراسی دارای قدرت نفوذ بسیار بالایی در کارکردهای ساختارِ حاکمیت متمّدنانه در سطح بازار سرمایه می‌باشد. لذا نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، ادهوکراسی از اثربخش ترین ویژگی‌هایی است که به دلیل قدرت نفوذ بالاتر، بر سایر متغیرها اثر می‌گذارد و از آنان تاثیر نمی‌پذیرد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش ارزیابی ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی در بازار سرمایه ایران می‌باشد. در این پژوهش براساس توضیح‌های ارائه شده مربوط به ماهیت تحلیلی و روش شناسی پژوهش، از دو مبنای تحلیل‌های بخش کیفی و کمی استفاده گردید. در بخش کیفی پژوهش، براساس تحلیل فراترکیب تلاش گردید تا جهتِ پاسخ به سوال اول پژوهش، از طریق غربالگری محتوایی نسبت به تعیین ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی اقدام گردد. برای این منظور با تعیین ۹ پژوهش اولیه، از طریق ارزیابی انتقادی، ۶ ویژگی تعیین گردید. سپس باهدفِ ارزیابی پایایی این ویژگی‌ها با مفهوم ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی طی دو مرحله تحلیل دلفی مشخص گردید هر شش ویژگی شناسایی شده مورد تأیید است. پژوهش در ادامه جهتِ پاسخ به سوال دوم پژوهش مبنی بر تعیینِ اثرگذارترین ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه شرکتی در شرکت‌های بازار سرمایه ایران از تحلیل رتبه بندی تفسیری استفاده نمود. در این بخش طی چندین مرحله تحلیل مبتنی بر مقایسه زوجی، مشخص گردید، درصدِ تاثیرگذاری ویژگیِ ادهوکراسی نسبت به بقیه ویژگی‌های ساختارِ حاکمیت متمّدنانه بیشتر است، که به معنای وجود ارتباطات متعامل در نظام راهبری شرکتی و درک متقابل انتظارات و نیازهای درون و بیرون شرکت مبنی بر حفظ حقوق ذینفعان می‌باشد. در تحلیل نتیجه‌ی کسب شده باید بیان نمود، ویژگی ادهوکراسی به عنوان یکی از ارکان طراحی سازمان دهی حاکمیتِ متمّدنانه محسوب می‌شود که به دلیل پویایی ارتباطات درون سازمانی و وجودِ حمایت ادراک شده از کارکردهای نظارتِ راهبری شرکتی، می‌تواند در افزایش اثربخشی حفاظت از منافع ذینفعان در درون و بیرون سازمان موثر باشد. به عبارت دیگر ادهوکراسی بخش مهمی از تمدن سازمانی محسوب می‌گردد که به واسطه‌ی تعاملات متعالیِ حاکمیت شرکتی در درون شرکت و پیوند آن با منافع ذینفعان بیرونی، باعث خواهد شد تا سطح برآورده نمودن مطلوب انتظارات به ارتقای سطح رضایت ذینفعان از عملکردهای شرکت منجر شود. در واقع فراگیری ویژگی ادهوکراسی در ساختارهای حاکمیت شرکتی باعث عدم تمرکز در اختیارات می‌گردد که نتیجه‌ی آن ارتقاء مشارکت و اثربخشی تعاملات درون با بیرون شرکت می‌گردد. از طرف دیگر ادهوکراسی به واسطه‌ی چابکی ساختاری خود در نظارت‌های حاکمیتِ شرکتی، با تکیه بر تقویت اعتماد سازمانی، سطح یادگیری و دانش تخصصی را توسعه می‌بخشد و برای حل مسائل شرکت به ویژه مسائل مربوط به ذینفعان، تلاش می‌کنند تا کمترین هزینه به سهامداران تحمیل گردد. در نهایت نیز باید بیان نمود، ادهوکراسی براساس کاهش رسمیتِ ساختاری برخلاف نظریه‌های کلاسیکِ حاکمیت

www.SID.ir

Archive of SID

شرکتی، به دنبال شکوفایی استعدادها و ارتقای مشارکتِ درون با بیرون شرکت می‌باشند تا از این طریق حدِ فاصل بازده مورد انتظار با بازده واقعی کاهش یابد و این موضوع، به افزایش ظرفیت‌های تأمین منابع مالی مورد نیاز آتی شرکت از طریق سهم بیشتر عرضه سهام شرکت در سبد سرمایه‌گذاران منجر شود. نتیجه کسب شده با پژوهش کوئر و شارما (۲۰۱۴)؛ نِریلا (۲۰۲۲) و وِندی و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

براساس نتیجه کسب شده، به سیاستگذاران و مالکانِ شرکت‌های بازار سرمایه توصیه می‌شود به ویژگیِ ادهوکراسی در ساختارِ نظام راهبریِ شرکتی به طور متوازن توجه نمایند. زیرا این ویژگی در مکانیزم‌های ساختارِ نظارتی ضمن اینکه می‌تواند به کاهش شکاف هزینه‌های نمایندگی کمک نماید، در عین حال جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه را توسعه بخشد. زیرا با اولویت‌دادن به منافع ذینفعان، اعتماد به شرکت در یک بازار رقابتی از جانب سهامداران و سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد و در نهایت باعث خواهد شد تا کیفیتِ افشاء اطلاعات به واسطه‌ی چابکی ساختار گزارشگری مالی ارتقاء یابد. لذا هیئت‌مدیره به عنوان بخش مهمی از ساختار شرکت، با تغییر در مکانیزم‌های نظارتی بر عملکردهای سازمانی، به پویایی بیشتر ارتباطات در درون سازمان جهتِ برآورده نمودنِ انتظارات سهامداران اقدام کنند. برای این منظور کاهشِ رسمیت سازمانی و غیرمتمرکز نمودن تصمیم‌های سازمانی می‌تواند گام مهمی در ایجادِ اعتماد سازمانی گردد.

منابع

* پیروزمند، علیرضا.، خورشیدی، محمد. (۱۳۹۸). مولفه‌های ساختاری تمدن سازی اسلامی (با رویکرد آینده پژوهی)، نشریه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲(۱):۳۲۹-۳۵۸.
* حورعلی، منصوره. (۱۳۸۳). چارچوب معماری سیستم‌های اطلاعاتی مرکز مهندسی سازمانی (CEO) برای یکپارچگی کاربردهای سازمانی، نشریه مدیریت فردا، ۷/۸(۲): ۸۸-۱۰۹.
* زرین‌نگار، محمدجعفر.، فانی، علی‌اصغر.، دانایی‌فرد، حسن.، دلخواه، جلیل. (۱۳۹۷). واکاوی و تبیین تمدن سازمانی در سازمان‌های دولتی ایران، مدیریت دولتی، ۱۰(۱): ۸۹-۱۰۸
* شفیع‌زاده، بهاره.، حسینی، سیدعلی.، رحمانی، علی.، سلطانی، محمد. (۱۳۹۷). نقش گزارشگری مالی، شفافیت و راهبری شرکتی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۱(۴۲): ۷۴-۹۵.
* کمائی، محمد. (۱۳۹۴). رابطهٔ بین ساختاری فرهنگ، هویت و تمدن سازمانی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان فارس، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی.
* *AL-Abrrow, H., Abdullah, H. and Atshan, N. (2019). Effect of organizational integrity and leadership behavior on organizational excellence: Mediator role of work engagement, International Journal of Organizational Analysis, 27(4): 972-985. https://doi.org/10.1108/IJOA-08-2018-1518*
* *Bingtao, S. (2015). Institution and Change of the Public Economy: A New Interpretation of Early Modern Civilization Evolution, Social Sciences in China, 36(1): 172-199. https://doi.org/10.1080/02529203.2015.1001488*
* *Chithambaranathan, P., Subramanian, N. and Palaniappan, P.K. (2015). An innovative framework for performance analysis of members of supply chains, Benchmarking: An International Journal, 22(2): 309-334*
* *Chizema, A., Pogrebna, G. (2019). The impact of government integrity and culture on corporate leadership practices: Evidence from the field and the laboratory, The Leadership Quarterly, 30(5): 111-139. https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2019.07.001*
* *Frăticiu, L., Mihăescu, D., Andănuț, M. (2015). Culture-Civilization-Organizational Culture and Managerial Performance, Procedia Economics and Finance, 27(2): 69-72 https://doi.org/10.1016/S2212-5671(15)00973-9*
* *Grine, F., Bensaid, B. and Zulkifli Mohd Yusoff, M.Y. (2013). Islamic art and the ethos of spirituality within a civilizational context, Multicultural Education & Technology*

www.SID.ir

Archive of SID

Finance Review International, 10(3): 297-322. https://doi.org/10.1108/CFRI-07-2019-0091

- *Sushil (2009). Interpretive ranking process, Global Journal of Flexible Systems Management, 10(4): 1-10.*
- *Sushil (2017[a]), "Multi- criteria valuation of flexibility initiatives using integrated TISM–IRP with a big data framework, Production Planning & Control, 28(11/12): 999-1010*
- *Van Krieken, R. (2003). The barbarism of civilization: cultural genocide and the 'stolen generations, The British Journal of Sociology, 50(2): 297-315. https://doi.org/10.1111/j.1468-4446.1999.00297.x*
- *Wan, P., Chen, X., Ke, Y. (2020). Does corporate integrity culture matter to corporate social responsibility? Evidence from China, Journal of Cleaner Production, 259(20): 1-32. https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120877*
- *Wendry, B., Nimran, U., Utami, H.N., Afrianty, T, W. (2022). The role of good corporate governance in mediating the effect of planning, coordination, supervision, and organizational culture on firm performance and firm sustainability, Environment, Development and Sustainability, https://doi.org/10.1007/s10668-022-02125-9*
- *Yu, V.F. and Ting, H. (2012). Financial development, investor protection, and corporate commitment to sustainability: Evidence from the FTSE Global 500, Management Decision, 50(1): 130-146. https://doi.org/10.1108/00251741211194912*

Journal, 7(4): 288-300. https://doi.org/10.1108/METJ-03-2013-0010

- *Harris, D, L., Twomey, T, M. (2020). Economic Democracy: The Role of Privilege in Advancing Civilization, The American Journal of Economics and Sociology, 78(5): 1229-1249. https://doi.org/10.1111/ajes.12304*
- *Huang, F., Sun, L., Chen, J. and Wu, C. (2020). IPO information acquisition and investor protection: A study based on sophisticated investor questionnaires, Nankai Business Review International, 11(4): 569-596. https://doi.org/10.1108/NBRI-01-2020-0006*
- *Kaur, J. & Sharma, S. (2014). Developing collaborative organizational culture, ethical workplace climate to enhance employee engagement: An empirical study of retail sector, in changing face of modern retail: the new economic order. Proceedings of international conference on management, Gurgaon, Excel India Publishers, New Delhi.*
- *Morgan, D.R. (2010). Civilizational futures within the integral futures framework: the plural quadrants, Foresight, 12(6): 69-90. https://doi.org/10.1108/14636681011089998*
- *Nakamaki, H., Hioki, K., Mitsui, I., Takeuchi, Y. (2018). Enterprise as an Instrument of Civilization, An Anthropological Approach to Business Administration, https://doi.org/10.1007/978-4-431-54916-1*
- *Neralla, N. (2022). Can corporate governance structure effect on corporate performance: an empirical investigation from Indian companies? International Journal of Disclosure and Governance, https://doi.org/10.1057/s41310-021-00135-z*
- *Saaty, T. L. (1990). How to make decision: the analytical decision process, European Journal of Operational Research, 48(1): 9-26*
- *Shi, X., Dempsey, M., Duong, H.N. and Kalev, P.S. (2015). Investor protection and market liquidity revisited, Corporate Governance, 15(4): 517-529. https://doi.org/10.1108/CG-04-2014-0046*
- *Simons, A., Wohlgenannt, I., Weinmann, M., Fleischer, S. (2020). Good gamers, good managers? A proof-of-concept study with Sid Meier's Civilization, Review of Managerial Science, https://doi.org/10.1007/s11846-020-00378-0*
- *Su, Z., Alexiou, C. (2019). Equity incentive schemes, investor protection and corporate performance: Evidence from China, China*

www.SID.ir

Archive of SID

Journal of Management Accounting
Vol. 15, No.55, Winter 2022

Evaluation of the Criteria of Corporate Civilizational Governance Structure in the Iranian Capital Market

Elham Abshirini[1]
Vali Khodadadi*[2]
Saeed Nasiri[3]
Nader Khedri[4]

Abstract

Commercial corporations, as an undeniable necessity of protecting the resources of stakeholders, need a civilized corporate governance structure; in a way that over time can meet the information needs and expectations of stakeholders. Corporate Governance Civilization is considered as a structural keyword in the corporate governance system which, by arranging effective board oversight mechanisms, can lead to the protection of shareholder interests and motivate investors to have confidence in the structures of capital market companies. The purpose of this research is evaluation of the criteria of corporate civilizational governance structure in the Iranian capital market. This study, which was a hybrid methodology, in the qualitative part, identified the characteristics of the corporate governance structure of the company in order to confirm the reliability of the identified characteristics based on Delphi analysis. Then, in a quantitative part, the study used interpretive ranking proses to evaluate the criteria of the corporate governance structure of the company in the Iranian capital market. The results of the research in the qualitative part indicated the existence of 6 features of the civilized governance structure of the company that were confirmed. The results in the quantitative part also showed that the percentage of influence of the adhocracy feature is higher than other features of the civilized governance structure, which means the existence of interactive relationships in the corporate governance system and mutual understanding of internal and external expectations and needs to protect stakeholders' rights.

Keywords :*Corporate Civilizational Governance Structure, Adhocracy, Interpretive Ranking Proses*

[1] *PhD Student, Department of Accounting, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran*
[2] *Associate Professor, Department of Accounting, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran*
vkh201349@gmail.com
[3] *Assistant Professor, Department of Accounting, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran*
[4] *Assistant Professor, Department of Accounting, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran*

www.SID.ir